

(اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

ادامه اعتراضات کارگران هپکو و گسترش همبستگی با آنها

راهپیمایی کارگران واگن سازی پارس در حمایت از هپکو

صفحه ۳



هپکو یک سنگر مهم اعتراض

شهلا دانشفر

صفحه ۴

اطلاعیه شماره یک کمپین دیگر بس است!

جنگ نهایی با حکومت اسلامی ایران برای ورود زنان به ورزشگاهها آغاز شده است!

صفحه ۵

استادیوم ها را باید فتح کرد

شیرین شمس

صفحه ۹

END BAN
ON WOMEN ATTENDING TO
STADIUM IN IRAN

Women
reVolution



انقلاب زنانه

لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها در ایران

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۴

جمعه ۲۹ شهریور ۱۳۹۸، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹

متن پیام ویدئویی حمید تقوایی به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهها در اول مهر

صفحه ۲

بازگشایی مدارس و تشدید فضای اعتراض

شهلا دانشفر

صفحه ۲

در حاشیه نامه اسماعیل بخشی به ...
نمایش مضحک گاندو همچنان ادامه دارد ...
علی جوادی

صفحه ۵

"صدای پای سوسیالیسم به گوش میرسد!"
محسن ابراهیمی

صفحه ۶

در بزرگداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز
سخنرانی حمید تقوایی
در مراسم سنگ های سکندری در استکهلم

صفحه ۱۱

گزارش کوتاهی از کنفرانس
اعضای حزب در استکهلم

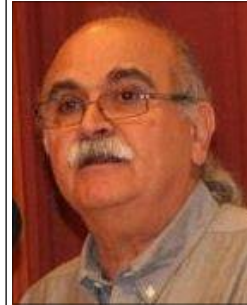
صفحه ۱۲

دومین برنامه کمپین سنگهای سکندری در
شهر استکهلم سوئد در تاریخ ۱۵ سپتامبر
برگزار شد

صفحه ۱۳

اطلاعیه ها در صفحات ۱۱ تا ۱۳

متن پیام ویدئویی حمید تقوائی بمناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهها در اول مهر



با فرارسیدن اول مهر و بازگشایی مدارس و دانشگاهها بار دیگر یک نیروی عظیم اجتماعی به میدان میاید، نیروی دانشجویان، معلمان، دانش آموزان، و خانواده هایشان.

باز شدن مدارس و دانشگاهها این اجازه را میدهد که دوباره این نیرو عظیم دور هم جمع شود، متشکل شود، و با اتحاد خودش به یک جنبش اعتراضی وسیع علیه جمهوری اسلامی تبدیل بشود. هم اکنون معلمان اعلام کرده اند که با خواست محوری تحصیل رایگان به میدان خواهند آمد، با خواست آزادی فوری معلمان زندانی و همه بازداشت شدگان به میدان خواهند آمد.

جنبش دانشجویی نیز همیشه یک جنبش فعال در دفاع از کارگران و در دفاع از خواست های برحق بخش های مختلف جامعه بوده است. جنبش دانشجویی هیچگاه خودش را به دانشگاه محدود نکرده است و علاوه بر خواست های ویژه صنفی که همیشه دانشجویان برایش مبارزه کرده اند، به مسائل مختلف اجتماعی نیز اعتراض داشته است. دانش آموزان و خانواده هایشان که تحت فشار کمرشکن شهریه ها و هزینه لوزام التحریر که قیمت های سرسام آور پیدا کرده اند کمرشان خورد شده است، اینها هم در این اعتراض شریک هستند.

شرایط سیاسی و اجتماعی از هر جنبه فراهم است برای اینکه جنبش معلمان، جنبش دانشجویان، جنبش دانش آموزان به حرکت در بیاید و جمهوری اسلامی را از هر طرف تحت فشار قرار دهد.

این را باید توجه داشته باشیم که در شرایطی ما از جنبش معلمان و دانشجویی

شهلا دانشفر

بازگشایی مدارس و تشدید فضای اعتراض



روزهای آخر شهریور است و چند روز بیشتر به بازگشایی مدارس نمانده است. اول مهر نزدیک به سیزده میلیون دانش آموز وارد سال تحصیلی جدید میشوند و مشکل فرستادن بچه ها به مدرسه به دغدغه مهم خانواده ها و در واقع کل جامعه تبدیل شده است. همه جا بحث از گرانی است. بحث از افزایش سرسام آور قیمت لوازم تحصیل است و هنوز آمار دقیقی از اینکه امسال چه تعداد دیگری از کودکان از چرخه تحصیل خارج خواهند ماند در دست نیست. اما گرانی ها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید مردم، بیکاری میلیونی و موج وسیع بیکار سازیها، پرداخت نشدن و محروم بودن جامعه از حداقل بیمه های اجتماعی از جمله حق تحصیل رایگان برای همه کودکان همه و همه حاکی از محروم شدن کودکان بیشتری از تحصیل و پیوستن آنها به صف کودکان کار و خیابان است. گزارشات از بالا رفتن بیشتر و افزایش شوک آور آمار کودکان محروم از تحصیل حکایت میکند. و این یک درد و یک فاجعه بزرگ است که زمزمه های اعتراض در کل جامعه را بیشتر کرده است. در نتیجه در شرایطی که جنبش اعتراضی کارگری هر روز ابعاد گسترده تری بخود

میگیرد و کل جامعه در تلاطم اعتراضی بسر میبرد. بازگشایی مدارس که در دل خود موجی از خشم و اعتراض را نهفته دارد میتواند یک اتفاق سیاسی مهم قلمداد شود. از جمله هم اکنون کارزاری گسترده بر سر خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان در جریان است. و در کنار آن کارزار نه به جمع آوری کودکان کار با تاکید بر حق تحصیل رایگان و داشتن معیشتی انسانی برای همه کودکان به جلو میرود. معلمان در صف جلوی این کارزارها قرار دارند. معلمان در مبارزات تا کنونی شان از جمله اعتصابات قدرتمند سراسری خود مهر این خواست را در صدر خواستهای کل جامعه کوبیده اند. در همین راستا یک فراخوان معلمان به خانواده ها و به کل جامعه فراخوان "شهریه ندهید" است که در چند ماه اخیر به گفتمانی در سطح جامعه تبدیل شده است. بعلاوه معلمان از هم اکنون دارند قرار و مدار تجمعات اعتراضی خود برای روز معلم که سیزده مهر است را میگذارند و تا هم اکنون در دو استان کرمانشاه و البرز معلمان زمان و مکان تجمع خود را تعیین کرده اند. یک گفتمان مهم حول این تجمعات "تحصیل رایگان برای همه کودکان" است. وسیعا از خواستها و مبارزات معلمان باید حمایت و پشتیبانی کرد. معلمان با کارزارهایشان

به استقبال سال تحصیلی جدید میروند معلمان با کارزارهای مبارزاتی شان به استقبال اول مهر میروند و قرار و مدارهای تجمعات اعتراضی شان میگذارند. خواستهای معلمان سه محور اساسی دارد. یکی در دفاع از معیشت و زندگی و تاکید بر خواستهایی چون افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی، درمان رایگان برای همه، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و پایان دادن به دزدی ها و برگرداندن اموال بسرقت رفته به صندوق فرهنگیان است.

محور دوم خواستهای معلمان حول خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و آموزشی با کیفیت و با استاندارد بالا است. در این راستا معلمان از جمله بر خواستهایی چون پایان دادن به کالایی شدن آموزش و طبقاتی بودن آن، لغو مدارس خصوصی، امن سازی مدارس و آموزش و پرورش شاد و انسانی تاکید میکنند. در راستای همین خواستها و اعتراضات سخنان اخیر محسن حاجی رضایی وزیر آموزش و پرورش، در جلسه هیئت وزیران در بیستم شهریور مبنی بر ممنوعیت تحصیل دانش آموزان غیرادیان رسمی با موجی از اعتراض در گروههای مختلف معلمان در تلگرام روبرو شد. او اعلام کرد: "اگر دانش آموزان اظهار کنند که پیروان ادیان دیگری بجز ادیان رسمی کشور هستند و این اقدام آنها به نوعی تبلیغ محسوب شود، تحصیل آنها در مدارس ممنوع است." سخنان فاشیستی وی بازتاب اعتراضی وسیعی در میان معلمان داشت.

ادامه در صفحه ۸

با آرزوی پیروزی
۲۷ شهریور ۱۳۹۸

گسترش همبستگی با کارگران هپکو راهپیمایی کارگران واگن سازی پارس در حمایت از هپکو



مردم اراک را به حمایت وسیع از مبارزات کارگران هپکو و در کنار آن آذراب و آوانگان فرامیخوانیم. حضور فعال خانواده ها در این اعتراضات بسیار مهم و ضروری است.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها**

**حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۸ شهریور ۹۸
۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹**

شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط و وثیقه آزاد شوند. ادامه بازداشت کارگران هپکو و احضار و تهدید کارگران آذراب باید با اعتراضی سراسری پاسخ گیرد. باید امنیت شغلی و تامین زندگی کارگران هپکو، آذر آب و کارگرانی که زندگی و معیشتشان چنین در چنگال بساط دزدسالاری حاکم دارد له میشود، تضمین شود و دستمزدهای به سرقت رفته کارگران فوراً پرداخت شود.

حزب کمونیست کارگری به کارگران آذراب و واگن سازی پارس درود میفرستد و بر گسترش همبستگی سراسری کارگری با مبارزات کارگران هپکو تاکید میکند. ما

دزدی های پشت پرده و به بحران کشیده شدن کارخانجات و بیکار شدن کارگران از کار محور مشترک اعتراضات همه این کارگران است. کارگران هپکو پنج ماه است که مزدشان پرداخت نشده است. در حالیکه فضای شهر اراک امنیتی شده است، کارگران در کنار هم ایستاده اند و به سرکوبگری های حکومت اعتراض دارند و همبستگی ها گسترش می یابد.

تا کنون فقط بیست و یک نفر از بازداشت شدگان هپکو آنهم با قید وثیقه آزاد شدند، هشت نفر دیگر همچنان در بازداشت بسر میبرند. تمامی بازداشت

کارگران هپکو و بازداشت تعدادی از کارگران این کارخانه اعتراض خود را اعلام کردند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده اند. "ما کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، بیکاران و سایر اقشاری که منفعتی در ادامه این وضعیت فلاکتبار ندارند در این صف آرایی بین صاحبان قدرت و ثروت علیه کارگران شرکت هپکو، کنار این کارگران معترض و مطالبات حق طلبانه اشان ایستاده و این تهاجم وحشیانه به این کارگران را بشدت محکوم میکنیم و خواهان پیگیری حقوقی علنی و تنظیم کیفرخواست علیه رفتار پلیس و آمران پشت پرده آن و جبران خسارت به مصدومین و آزادی فوری و بیقیدو شرط بازداشت شدگان هستیم.

اعتراضات کارگران هپکو و در کنار آن آذر آب و واگن سازی پارس و همبستگی های کارگری یک اتفاق مهم در شرایط سیاسی امروز و یک پاسخ درخور به سرکوبگریهای حکومت است. با گسترش اعتراضات سراسری این همبستگی ها را باید گسترده تر کرد. بنا بر گزارشها امروز ۲۸ شهریور تعدادی از کارگران آذراب بعد از حمایت از کارگران هپکو احضار و تهدید شده اند.

در دل چنین کشاکشی است که اعتراضات کارگران هپکو و در کنار آن آذر آب ادامه دارد و زمزمه های اعتراض در میان کارگران دیگر کارخانجات در این شهر از جمله در کارخانجات آوانگان و آلومنیوم بالاست. دستمزدهای به سرقت رفته و

علیرغم یورش وحشیانه روز بیست و پنجم شهریور به صف اعتراض کارگران، اعتراضات کارگران هپکو ادامه دارد. کارگران در دو روز گذشته با جمع شدن در مقابل شرکت اعتراض خود را به سرکوبگریها و به بازداشت همکارانشان اعلام داشته و پیگیر خواستههایشان شدند. ادامه اعتراضات کارگران هپکو و به حرکت درآمدن دیگر کارخانجات شهر در همبستگی با این کارگران فضای شورانگیزی از اتحاد کارگری را در این شهر بوجود آورده است.

روز ۲۷ شهریور کارگران واگن سازی پارس در اعتراض به ضرب و شتم کارگران هپکو و در حمایت از آنان حدود ساعت یک ظهر از محل کارخانه هپکو تا بلوار واگن پارس راهپیمایی کردند. عصر روز قبلش نیز کارگران شیفت شب کارخانه آذراب به نمایندگی از دیگر همکارانشان به هپکو رفتند و با نصب بنر و شعار همراهی و همبستگی خود را با آنان اعلام داشتند.

از سوی دیگر تشکلهای مختلف کارگری از جمله سندیکای واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نیشکر هفت تپه و نهادهای مختلف در تلگرام در بیانیه هایی جداگانه با تاکید بر اعتراض سراسری این سرکوبگری ها را محکوم کرده اند. همچنین گروههای ۱۹ اسفند، اتحاد بازنشستگان ایران، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد کارگر و معلم در این رابطه بیانیه مشترکی داده و به یورش وحشیانه رژیم به

شهلا دانشفر

هپکو یک سنگر مهم اعتراض

از سرگیری اعتراضات کارگران هپکو شهر اراک را به تحرك در آورده است. این اعتراضات در سوم شهریور در اعتراض به بساط دزدسالاری حاکم و چوب حراج زدن به سهام کارخانه و به تباهی کشاندن معیشت و زندگی کارگران و بالا کشیدن پنج ماه دستمزدشان برپا شد. بعد از چند روز اعتراض و بی پاسخ ماندن این اعتراضات، کارگران هپکو اولتیماتومی ده روزه دادند و وقتی جواب نگرفتند در بیست و چهارم شهریور دوباره به خیابان آمدند. در ادامه این اعتراضات در روز بیست و پنج شهریور کارگران این کارخانه مسیر راه آهن شمال به جنوب را بستند و با پهن کردن سرفه ای خالی به عنوان اعتراضی نمادین به زندگی زیر خط فقر و با سر دادن سرود همیشگی خود، سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی"، زندگی ای انسانی را فریاد زدند. در این روز صف اعتراض کارگران با یورش وحشیانه نیروی انتظامی رژیم روبرو شد و در جریان آن شماری دستگیر و شماری زندانی شدند. اما کارگران هپکو عقب ننشستند و روز بعد از این یورش دوباره تجمع کردند و در روز بیست و هشتم شهریور با تجمع در مقابل زندان اراک خواستار آزادی همکاران بازداشتی خود شدند. اعتراضات کارگران هپکو با ابعادی که امروز پیدا کرده است و شکل گیری همبستگی های کارگری حول مبارزات این کارگران یک اتفاق سیاسی

مهم است. به این اعتبار این اعتراضات یک پیشروی دیگر برای جنبش کارگری و مبارزات کل جامعه است و از چند وجه اهمیت دارد.

اول اینکه اعتراضات کارگران هپکو همراه با تجمعات اعتراضی کارگران بازنشستگان و معلمان و دیگر اعتراضات در سطح جامعه در یک ماه اخیر همه و همه اتفاقات مهمی هستند که بعد از برپایی بیدادگاههای رژیم علیه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و صدور مجازات های سنگین برای آنها پاسخ کوبنده ای به سرکوبگری های حکومت است. در این دوره کارگران و مردم معترض جامعه کاری کردند که رژیم اسلامی خود به غلط کردن افتاد و خبر از تجدید نظر در احکام صادره برای بازداشت شدگان هفت تپه و دیگر احکام داد. به عبارتی روشنتر این فضا و این اعتراضات نشانی از جامعه ایست که ایستاده و کوتاه نمی آید. در متن چنین فضایی از اعتراض و مبارزه است که اعتراضات کارگران هپکو تاثیر مستقیمی بر فضای سیاسی شهر اراک داشته و بازتاب اجتماعی بسیاری پیدا کرده است.

نکته دوم همبستگی های شورانگیزی است که در حمایت از مبارزات کارگران هپکو و در اعتراض به یورش وحشیانه رژیم به صف این کارگران شکل گرفته است. از جمله هم اکنون کارگران هپکو و آذربایجان هم قرار گرفته اند. در همین فاصله کارگران آذر آب نیز با معضلاتی مشابه با هپکو اعتراضاتی داشته اند. یک مقطع شورانگیز از مبارزات این کارگران اعلام همبستگی آنها با کارگران هپکو با سر دادن سرودی است که قبلا کارگران هپکو سر دادند و

فریاد زنده باد هپکو بود. بعد نیز وقتی کارگران هپکو مورد یورش قرار گرفتند کارگران شیفت شب آذر آب در عصر روز بیست و ششم شهریور به نمایندگی از سوی همکارانشان به هپکو رفتند و با بر دست گرفته بنرهایی که رویش نوشته شده بود "زنده باد هپکو" همراهی خود را با این کارگران اعلام کردند. بعد از حمایت کارگران آذر آب از کارگران هپکو، فضای کاملاً امنیتی ای حاکم شده و از خروج کارگران آذر آب از کارخانه جلوگیری می شود و تعدادی از آنها احضار و تهدید شده اند. اما فضای این کارخانه و فضای شهر، فضای اعتراض است. وحشت حکومت اسلامی از به راه افتادن مارش بزرگ کارگری در خیابانهای شهر اراک و پیوستن مردم به این اعتراضات و به پا خاستن کل شهر است.

در روز بعد از رفتن کارگران آذر آب به هپکو در روز بیست و هفتم شهریور نیز ما شاهد صحنه زیبای راهپیمایی واگن سازی پارس از محل کارخانه هپکو تا بلوار واگن پارس در اعتراض به ضرب و شتم کارگران هپکو و در حمایت از آنان بودیم. این چنین است که شهر اراک به صحنه اعتراض و همبستگی کارگری تبدیل شده است. حمله به کارگران هپکو در سطح اجتماعی نیز بازتاب وسیعی داشته است. تشکلهای مختلف کارگری و نهادهای مبارزاتی اجتماعی در تلگرام از جمله سندیکای واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و گروههای ۱۹ اسفند، اتحاد

بازنشستگان ایران، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد کارگر و معلم در این رابطه بیانیه داده و اعلام انزجار کرده اند.

نکته سوم اینست که هم اکنون کارخانجات بسیاری در شهر اراک با معضلات مشابهی چون به بحران کشیده شدن تولید کارخانجات و بیکار شدن از کار و نپرداختن دستمزدهایشان روبرویند. این موضوع خود بستر فضای گسترده تری از اعتراض در این شهر را بوجود آورده است. از جمله در همین مدت علاوه بر هپکو و آذر آب در بیست و پنجم شهریور ماه کارگران آلومینیوم اراک نیز تجمع داشتند. در عین حال بسیاری از مردم شهر اراک نان آورانشان در همین کارخانجات شاغلند و فشار مستقیم بیکاری و نپرداختن دستمزدها بر گرده بخش بسیاری از مردم تحمیل میشود.

آنچه امروز در هپکو میگذرد، آنچه در دیگر کارخانجات شهر اراک میگذرد، ادامه همان داستانی است که در نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز و بسیاری از مراکز کارگری دیگر شاهدیم. این شرایط بر همبستگی وسیع کارگران و حمایت وسیع مردم شهر اراک از مبارزات کارگران هپکو و آذر آب و از دیگر کارخانجاتی که به اعتراض بر می خیزند است. این شرایط تأکیدی بر دخالت فعال خانواده ها به عنوان یک نیروی مهم در قدرتگیری مبارزات کارگران و جلب حمایت های وسیع اجتماعی است. این شرایط تأکیدی بر همبستگی سراسری در سطح جامعه از اعتراضات هپکو و از اعتراضات کارگری است. مبارزات کارگران هپکو تا

همین جا یک پیشروی مهم برای جنبش کارگری است. گسترش اعتراضات سراسری یک شکل عملی همبستگی با مبارزات کارگران هپکو و ایستادن در برابر سرکوبگری های حکومت است. حمله به صف کارگران هپکو باید با انزجار وسیع اجتماعی روبرو شود و هشت کارگر بازداشتی هپکو باید بدون قیدو شرط آزاد شوند و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران هپکو و آذر آب و احضار ها و تهدیدها باید فوراً متوقف شود.

و بالاخره اینکه کارگران هفت تپه آلترناتیو اداره شورایی را بعنوان یک راه مهم مقابله با بساط دزدسالار حاکم جلو آوردند و پرچمش را اسماعیل بخشی برافراشت. این گفتمان راهکاری برای همه کارگران و همه مردم است. کارگران هپکو، کارگران آذر آب، کارگران آلومینیوم اراک، کارگران واگن سازی پارس و کارگران در بسیاری از مراکز کارگری دیگر با قدرت شوراهایشان میتوانند به بساط دزدسالار حکم در کارخانجات پایان دهند. شوراهای کارگری را باید در همه جا برپا کرد.*

**پیش
بشوی
برپایی
شوراهای
کارگری!**

علی جوادی
در حاشیه نامه اسماعیل بخشی به ...
**نمایش مضحک گاندو همچنان
ادامه دارد ...**



نامه ای که از قرار با امضای اسماعیل بخشی و دو تن دیگر به رئیس قوه قضائیه نوشته شده است به بحث های گوناگونی منجر شده است. من هم مایلم چند کلمه ای در این باره بگویم.

اشتباه مهلکی است اگر بمنظور پی بردن به حقایق آنچه که موجب "نگارش" چنین نامه ای شده است، به کلمات و جملات و یا مواضع مندرج در آن خیره شد. توهم و یا ابهام نسبت به قاضی مرگ حکومت اسلامی و کلیت این نظام کوچکترین مکانی در چنین دادداستی نمیتواند داشته باشد.

زندان در حکومت اسلامی، دنیای ترور، اعدام و شکنجه، شوکر، شلاق و مشت و لگد، تابوت و سلول های انفرادی، تهدید و ارعاب، گروکشی و... است. ویژگی ها و خصوصیات خود را دارد. با این ابزار و آلات تنها میتوان کشت و نابود کرد. تولیدات این سازمان جهانی هر چه باشد، فاقد هر گونه اعتباری است.

من اسماعیل بخشی،

سپیده قلیان، عسل محمدی و ... را میشناسم! اینها عزیزترین عزیزان ما هستند. پرچمداران مبارزه علیه این جهان وارونه. هیچ نامه ای، هیچ اعترافی، هیچ مستندی، تغییری در این واقعیت نمیدهد. نخواهد داد. هر کجا که باشند، در هر حالتی که باشند، ایستاده یا افتاده، عزیزان ما هستند، بخشی از اردوی عظیم آزادی و رهایی انسانها. روزی که درهای زندانهای این رژیم را در هم بشکنیم، آنها را بوسه باران و گلباران خواهیم کرد. و تا آن روز برای لغو احکام قرون وسطایی و آزادی بدون قید و شرط این عزیزان تلاش میکنیم. آن روزها دور نیست!

۱۵ سپتامبر ۲۰۱۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اطلاعیه شماره یک، کمپین دیگر بس است!

جنگ نهایی با حکومت اسلامی ایران برای ورود زنان به ورزشگاهها آغاز شده است!

کمپین نه به آپارتاید جنسیتی اعلام میکند که باید کاری کرد که حکومت کاملا عقب نشینی کند و این قانون قرون وسطایی را لغو کند.

نه به آپارتاید جنسیتی در ایران!

کمپین دیگر بس است!
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹

لطفا طومار اعتراض به
آپارتاید جنسی را امضا کنید.

https://secure.avaaz.org/en/community/petitions/Enough_is_enough_Enough_is_enough_End_sexual_apartheid_in_iran/?fkgib&fbogname=Min+a+A.&fbclid=IwAR3O0qXGbB_kFA-g8Vn0kBOU2VQdRoC0LhVvao6EdCwjdtFk2aqG6iNSL0

اینستاگرام کمپین:

https://instagram.com/enough.is.enough____?igshid=yp3ve4h1jdo8

Twitter:

[Twitter.com/EnoughApartheid](https://twitter.com/EnoughApartheid)

Facebook:

<https://www.facebook.com/116947246348674/posts/121514735891925?sfns=mo>

آماده بودن زیرساختها برای ورود زنان به ورزشگاهها خبر داد.

او گفت: "زیرساخت ها در تمام استادیوم های کشور برای ورود بانوان به ورزشگاه ها آماده است. ورودی جداگانه، مکان ویژه بانوان، سرویس بهداشتی جداگانه، معبرها و راهروی جداگانه، جایگاه و انتظامات جداگانه، همگی آماده است تا بانوان با رعایت ملاحظات فرهنگی و شرعی و امنیت کامل وارد ورزشگاه ها شوند."

او ابراز امیدواری کرد که ابتدا زنان در "رقابت های ملی" تماشاگر بازیها باشند و "کم کم عرصه را گسترش" دهند.

زیرساختها و جدا سازی راه ورود و خروج زنان و تاکید بر زیر ساخت بازی یک تشبیه دیگر حکومتی ها است. امنیت زنان وقتی تامین میشود که ارادل و اوپاش حکومتی را از ورزشگاهها بیرون کنیم و دیگر مامور مسلحی نباشد که زنان را دستگیر و یا به آنها توهین کند. حکومت اسلامی زیر فشار مردم و بویژه اعتراضات زنان مجبور به عقب نشینی شده است اما میخواهد کماکان راه را برای فرار باز بگذارد. ابتدا میگویند زنان میتوانند در بازیهای ملی وارد استادیوم ها شوند و فیفا میگوید نخیر باید کلا این محدودیت را ملغی کنید. و سپس از آماده سازی حرف میزنند تا در مواردی بگویند آماده نیستند و زنان را مجددا به ورزشگاهها راه ندهند.

مسئولین فیفا اتمام حجت کردند، و مسئولین ورزش در ایران میگویند، ورود زنان در رقابتهای ملی آزاد است!!

فیفا و مقامات جمهوری اسلامی، زیر فشار اعتراضات زنان و مردم، یک گام عقب می نشینند. فیفا بیانیه میدهد که باید زنان وارد ورزشگاهها شوند و این محدودیت باید کاملا ملغی شود. جیانی اینفانتینو رییس فیفا، روز گذشته ۱۹ سپتامبر با صدور یک بیانیه رسمی گفت "امیدوارم فدراسیون فوتبال ایران و مسئولان این کشور متوجه خواستههای متعدد ما در مورد این وضعیت غیر قابل قبول شده باشند. در چند وقت اخیر، با بخش اداری فیفا بارها تماس گرفته ایم. ما نمایندگانی از اعضای فیفا را در حال حاضر در ایران داریم و منتظر اخبار خوبی از آنها بشنوم.

موضع ما شفاف و قاطع است؛ زنان در ایران باید اجازه حضور در ورزشگاههای فوتبال را داشته باشند. ما متوجه هستیم که پیش از این کار باید قدمهایی برداشته شود تا این حضور در مسیری امن و مناسب باشد. اما اکنون زمان ایجاد این تغییرات فرا رسیده است و فیفا توقع پیشرفت مثبت در این مسئله را از بازی خانگی تیم ملی فوتبال ایران در ماه اکتبر (ماه آینده) دارد."

همزمان مسعود سلطانی فر، وزیر ورزش جمهوری اسلامی ایران در نشست با خبرنگاران از

محسن ابراهیمی "صدای پای سوسیالیسم به گوش میرسد!"



"حزب کارگزاران سازندگی" در اطلاعیه ای تحت عنوان "راه عدالت از توسعه میگذرد" به همه جناحها و باندهای حکومت اسلامی در باره "شیوع جریانات کمونیستی" اعلام خطر کرده است. هشدار داده است که حواستان باشد، "گروههای کمونیستی و شبه کمونیستی" رشد میکنند و "صدای پای سوسیالیسم به گوش میرسد!"

حزب "کارگزاران سازندگی" (همان حزب کارگزاران سرمایه)، ورثه تشکیلاتی هاشمی رفسنجانی است. جایگاه و نقش شاخص رفسنجانی در بنیانگذاری و حاکم کردن حکومت اسلامی بر جامعه ایران معرف حضور همه است. این حزب توسط وزرا و وکلا و امنیتی ها و تکنوکراتهای دوران ریاست جمهوری رفسنجانی شکل گرفت تا با تحمیل سازمانیافته تر ریاضت اقتصادی بر دوش کارگران، جمهوری اسلامی را از بحران اقتصادی و در نتیجه بحران سیاسی و حکومتی نجات دهد.

در اطلاعیه کارگزاران آمده است:

"مخاطب ما در این هشدار همه ی حاکمیت از دولت و مجلس و شوراها و شهرداری ها و صدا و سیما و قوای قضایی و نظامی و انتظامی و امنیتی و همه ی احزاب سیاسی و نهادهای مدنی از اصلاح طلب تا اصولگراست که مبدا با نگاه بخشی و جناحی به داستان، اصل ماجرا را از یاد ببرند."

بگذریم که طبق معمول یازداغ ناسیونالیستی برای رد گم کردن است. اصل مساله همان "تضادهای اجتماعی"، مخصوصا تضاد طبقاتی میان کارگر و سرمایه دار و البته میان ۹۹ درصد جامعه با اقلیت ۱ درصدی حاکم از جمله دار و دسته رفسنجانی و حزب کارگزاران سازندگی است.

به این برمیگردیم که این "طرفداران کار آفرینان" چه نسخه ای برای درمان "بحران اقتصادی و اجتماعی" می پیچند و چه راهکاری برای مقابله با شیوع جریانات کمونیستی دارند. اینجا لازم است به چند جنبه اشاره کوتاهی داشته باشیم.

غریزه مشترک طبقاتی: صدای پای سوسیالیسم قبلا و بارها به گوش مقامات حاکم رسیده بود!

"شیوع کمونیستی" مدتهاست توسط حکومت اسلامی مشاهده شده است. قبل از "کارگزاران سازندگی"، دستگاه امنیتی حکومت اسلامی برای مقابله با آن صحنه های منزجرکننده ای از شناعت و رذالت به نمایش گذاشتند که البته خود را موضوع تمسخر اهالی کردند. فعالین و رهبران کارگری را دستگیر کردند، کارگران را "شکنجه کردند که بگویند شکنجه نشده اند"، زیر شکنجه اعتراف گرفتند و "طراحی سوخته" راه انداختند که کارگران را به زعم خودشان بدنام کنند. گفتند که اعتراضات کارگران "کارگری-کمونیستی" است. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس کارگران معترض را وابسته به حزب کمونیست کارگری و به قول خودشان "حزب گسترش اعتراضات"

اعلام کرد و با این کار خواست مثلا از یک طرف "جرم" کارگران را سنگین کند و از طرف دیگر حزب کمونیست کارگری را بکوبد. و دیدیم که همه اینها تف سربالا شد و بر ریش آیت الله ها و مقامات حکومت اسلامی و طبقه حاکم فرود آمد. این ابلهان نتوانستند بفهمند که وقتی یک حکومت بدنام و منفور، یک حزب خوشنام و دخیل، یک حزب "گسترش اعتراضات" از یکطرف و کارگران خوشنام و حق طلب و معترض را از طرف دیگر به هم ربط بدهد هر دو خوشنامتر و بانفوذتر میشوند. و این اتفاق افتاد.

سهم خواهی سیاسی!

حزب کارگزاران سازندگی، بعد از کلی ابراز امیدواری در باره "ورود رییس قوه قضاییه (همان عضو هیئت مرگ در دهه شصت که الان در صندلی قاضی القضاات حکومت نشسته است) و دیگر اصولگرایان" به "آسیب شناسی پرونده های امنیتی" به مثابه یک "فرصت و ضرورت تاریخی و اجتماعی و مدنی" و اینکه این "ورود" به احقاق حق "منجر شود، خطاب به حکومت اعلام میکند که "چالشهای پیش روی حکومت" را این حزب بهتر میفهمد و راه مقابله با این چالشها هم در آستین این حزب است. برای مثال، به حکومت ایراد میگیرد که جای شایسته احزاب "به عنوان حائل میان جامعه و حکومت را به رسمیت نمیشناسد و احزاب را نه رکن جامعه که رقیب حاکمیت می پندارد". اشتباه نشود. منظور احزاب اپوزیسیون نیستند. منظور همان احزاب خودی مثل همین حزب کارگزاران سازندگی است.

سهم خواهی اقتصادی!

اطلاعیه اعلام میکند: "ریشه در بحران نظام اقتصادی کشور است. ریشه خود این بحران چیست؟ اطلاعیه جواب میدهد که "خصوصی سازی قبل از آزاد سازی به اختصاصی سازی و رانت خواری" منجر شده ادامه در صفحه ۷

از صفحه ۶

صدای پای ...

است. و اظهار تاسف میکند که "یک خصوصی سازی ناکام و نادرست و ناروا به تضییع حقوق کارگران و توهین به نهادهای کارآفرین منتهی شده است و..." همه اینها باعث شده که "صدای پای سوسیالیسم به گوش میرسد!" تضییع حقوق کارگران در این اقتصاد یک اصل پایه است. این اقتصاد اصولاً نمیتواند بدون بهره کشی از کارگران و زیرپا گذاشتن حقوق کارگران کارکرد داشته باشد. این روشن است و قاعدتاً حزب طرفدار "کارآفرینان" این را خوب میدانند.

اینجا هم مساله کارگزاران ابداً "تضییع حقوق کارگران نیست" بلکه "توهین به نهادهای کارآفرین" (به زبان آدمیزاد همان سرمایه داران) است. "توهین" هم البته یک پوشش اخلاقی برای طرح یک سهم خواهی اقتصادی از مافیای حاکم است. حزب کارگزاران سازندگی اینجا هم دارد سهم بیشتری از چپاول را میخواهد.

میدانیم که خصوصی سازی در حکومت اسلامی، انتقال مالکیت موسسات و کارخانه های دولتی به مقاماتی از حکومت (آقازاده ها) است و این آقازاده ها بسته به اینکه کدام جناح و باند در حاکمیت دست بالا دارند تغییر می یابند. کارگزاران سازندگی به زبان ساده میگویند خصوصی سازی کنونی زیادی انحصاری است. دست همه آقازاده ها، قبلی و کنونی و قدیم و جدید به طور برابر برای چپاول از این خصوصی سازیها باز نیست. سؤال برای این حزب این است: سهم ما کو؟ مقصود از "توهین به نهادهای کارآفرین"

هم دقیقاً این است که به بخشی از سرمایه داران، به "کارآفرینان" متعلق به باندهایی از حکومت که جناح رفسنجانی "مرحوم" و دار و دسته اش هم البته یکی از مهمترینشهایش هستند کم لطفی شده است!

"راه حل عدالت از توسعه میگردد!"

قبلاً دیدیم که اطلاعیه ریشه بحران را چگونه "آسیب شناسی" کرده است. اینکه نظام اقتصادی در بحران است و ریشه این بحران هم "خصوصی سازی بدون آزاد سازی" است که نتیجه اش "اختصاصی سازی و رانت خواری" شده است. همه مساله "یک خصوصی سازی ناکام و نادرست و ناروا" است که "به تضییع حقوق کارگران و توهین به نهادهای کارآفرین" منتهی شده است! حتی اگر کسی بقیه اطلاعیه را هم نخواند از همین ریشه یابی کذایی میتواند حدس بزند راه حل این "آسیب شناسان" کهنه کار سرمایه و حکومت اسلامی چه باید باشد.

راه حل اطلاعیه:

"بازگشت به راهبرد توسعه ی متوازن، همه جانبه و پایدار کشور از راه رونق تولید و پیوند کارگر و کارآفرین با نظارت و نه دخالت نهاد دولت بر اساس حفظ حقوق مالکیت و حکومت قانون و رقابت آزاد!"

"ما به عنوان یک حزب مدافع کارآفرینان، از حقوق کارگران دفاع می کنیم و دفاع از حقوق کارگران را به جای شعارهای سیاسی و عوام فریبی های مارکسیستی در حمایت از کار و تولید می دانیم که راه عدالت از توسعه می گذرد. بر طرف کردن موانع سیاسی داخلی و

خارجی توسعه به خصوص تامین امنیت سرمایه گذاری ملی و بین المللی سبب خواهد شد به جای کاسبان بحران های کارگری، کارگران و کارآفرینان شریف و میهن دوست چرخ تولید و توسعه کشور را بچرخانند و مانع تشدید تضادهای اجتماعی شوند."

ظاهراً کسانی در حکومت اسلامی نگران رونق تولید در مقابل مثلاً رونق دلالی و تجارت و بورس بازی و غیره هستند و اگر کاربرد اصلی شوند مشکل تولید و اقتصاد و بحران اقتصادی و نهایتاً بحران حکومتی حل خواهد شد و حکومت اسلامی "انشاء الله" از دلهره "صدای پای سوسیالیسم" رها خواهد شد.

اولین سؤال این است که مگر این کارگزاران سازندگی به سرکردگی رفسنجانی برای سالها ارگانهای کلیدی حکومت اسلامی را در دست نداشتند؟ چطور شد که نه توانستند "موانع داخلی و خارجی توسعه" را رفع کنند، نه توانستند بحران اقتصادی را حل کنند و نه توانستند مانع اعتراضات کارگری شوند؟ اما باید قبول کرد که یک کار را خوب انجام دادند: به عنوان "حزب مدافع کارآفرینان"، به نام جهاد سازندگی، جهاد بزرگی علیه کارگران راه انداختند و ریاضت اقتصادی کم شکنی بر کارگران تحمیل کردند.

همین دار و دسته، امروز اساساً به خاطر "صدای پای سوسیالیسم" از لانه های پر از جنایت و فسادشان بیرون آمده اند و تصور میکنند راهکاری راهگشا برای رهایی از "صدای پای سوسیالیسم" دارند.

دقت زیادی لازم نیست تا معلوم شود که حزب کارگزاران سازندگی نسخه ای

را برای درمان بیماری به نام جمهوری اسلامی پیچیده اند که در فضای راست دهه هشتاد، در دوران یکه تازی مرتجعینی مثل ناچر و ریگان، به قدرت گرفتن دیکتاتورهای مثل پینوشه در شیلی منجر شد. منظورم راهکار مشهور مکتب شیکاگو و میلیتون فریدمن است که در آن همه چیز در خدمت رقابت آزاد سرمایه داران برای تحمیل هر چه خشن تر ریاضت اقتصادی و بهره کشی هر چه ظالمانه تر از کارگران بود. این نسخه کارساز نیست. این نسخه نمیتواند صدای پای سوسیالیسم را قطع کند. چون اولاً، بخشاً توسط همین حکومت اسلامی حال با شیوه ها و روشهای ویژه دست اندرکارانش از جمله رئیس جمهوری که به رفسنجانی هم ارادت دارد در حال پیاده شدن است و خود زمینه اعتراضات قدرتمند کارگری و رشد گرایشات کمونیستی شده است. و ثانیاً، اقتصاد جمهوری اسلامی ساهلاست که به یمن حضور نوبتی باندهای مختلف حکومت از جمله همین کارگزاران سازندگی در قدرت تبدیل به یک شبکه تو در تو مافیایی شده است که در آن همه باندها شغلشان چپاول دسترنج کارگران و غارت ثروت و منابع کشور در اسرع وقت است. صحبت بر سر حکومتی است که تا خرخره در بحران اقتصادی و مهمتر از این بحران سیاسی - حکومتی غرق است، حکومتی که خوب میداند اکثریت عظیم آن جامعه معترض کمین کرده اند آخرین تهاجمشان را سازمان دهند و سرنگونشان کنند. حالا که "صدای پای سوسیالیسم به گوش میرسد" دیگر باید بیشتر عجله کنند، سریعتر و وسیعتر غارت کنند

چون زمان به نفعشان نیست. زمان به نفع این است که صدای پای سوسیالیسم قویتر و قدرتمندتر شود و آنگاه دیگر دیر است.

راه عدالت از سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم میگردد!

اطلاعیه اعلام کرده است که حزب کارگزاران سازندگی میخواهد "همه استعداد ملی و محلی" اش را در خدمت جمهوری اسلامی بگذارد که این حکومت از بحران نجات یابد.

"ما به عنوان حزبی مدافع توسعه و عدالت آماده ایم همه استعداد ملی و محلی خود در کارگزاران سازندگی ایران را در خدمت تبدیل این تضاد اجتماعی به یک تعامل مدنی میان "مرکز - پیرامون"، "حاکمیت - اپوزیسیون" و از همه مهمتر؛ "کارآفرین - کارگر" تبدیل کنیم. راه روشن است: برای رسیدن به عدالت راهی جز توسعه وجود ندارد."

قبلاً گفتم که منظور حزب کارگزاران سازندگی از اپوزیسیون جناحهای مختلف حکومتی است که در دوره های مختلف موقعیت و نقششان در ارگانهای اصلی حاکمیت کم و زیاد شده است طوری که گاهی ادای اپوزیسیون در آورده اند.

اینها وقتی از تبدیل "تضاد اجتماعی" به "تعامل مدنی" صحبت میکنند منظورشان آشتی ملی میان خودشان برای مقابله با خطراتی است که همان "تضاد اجتماعی" و از همه مهمتر، تضاد "کارآفرین - کارگر" بوجود آورده است. صاف و ساده میگویند برای مهندسی تضاد اجتماعی و

از صفحه ۲

بازگشایی مدارس و تشدید فضای اعتراض

محور سوم اعتراضات معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات و برای آزادی معلمان زندانی، کارگران دربند و همه زندانیان سیاسی است. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و در همین راستا به صدور احکام ظالمانه برای فعالین کارگری، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی است. در این کارزارها معلمان در بیانیه های مختلفی اعتراض خود را اعلام کرده و بر خواستهایی چون لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای تمامی فعالین اجتماعی، علنی شدن برگزاری دادگاهها، آزادی بدون قیدو شرط و بدون وثیقه معلمان، کارگران و همه زندانیان سیاسی و حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و آزادی بیان و عقیده به عنوان حقوق مسلم کل جامعه تاکید کرده اند. از جمله معلمان بدنبال احکام وحشیانه صادره برای بازداشت شدگان هفت تپه بر آزادی بدون قید و شرط اسماعیل بخشی و حامیان هفته تپه تاکید کرده و در پاسخ به دستور رئیسی جلاد مینی بر بازبینی احکام صادر شده برای آنان، اعلام داشتند که علاوه بر پرونده های هفت تپه باید احکام ظالمانه صادر شده برای معلمان، کارگران و همه زندانیان سیاسی در دادگاهی علنی مورد بازبینی قرار گیرد. نمونه اخیر چنین بیانیه ای، بیانیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان تحت عنوان "خط سرکوب فعالان صنفی" است که در آن معلمان اتمام حجت کرده اند. در این بیانیه اولین اعتراض شورای هماهنگی فرهنگیان به متفق

القول بودن وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، قوه قضایی و نهادهای زیر مجموعه آموزش و پرورش از جمله حراست و "هیات رسیدگی به تخلفات اداری" در سرکوب اعتراضات معلمان به جای پاسخگویی به خواسته های حق طلبانه آنان است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "صدور حکم زندان و شلاق برای فعالان صنفی که یادآور احکام قرون وسطایی است نشان از اوج این سرکوب هاست. قوه قضاییه به جای اینکه در برخورد با فاسدان و دزدان و بهسازی ساختار نظام جدی باشد اراده کرده است هر صدای منتقد و مستقل رسا می گوئیم اگر مطالبه ای عدالت خواه را در نطفه خفه و عدالت خواه را در نطفه خفه در ادامه در بیانیه شورای هماهنگی فرهنگیان به لیستی از احضارها، تهدیدات، حکم صادر کردن ها در استانهای مختلف و نیز به تشدید فشار به معلمان که از قبل در بازداشت بسر میبردند اشاره شده و این شورا اعتراض خود را به تشدید سرکوبگری های رژیم و پرونده سازی سیستماتیک برای فعالین اجتماعی اعلام کرده است. در خاتمه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان نسبت به تداوم این سرکوبگری ها اولتیماتوم داده و مینویسد: "شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران خواهان آزادی بی قید و شرط تمام معلمان زندانی است و نسبت به عواقب پرونده سازی علیه فعالان صنفی هشدار جدی می دهد. نهادهای امنیتی باید بدانند که تهدید و زندان و ارباب و پرونده سازی برای کنشگران صنفی راه خاموش کردن مطالبه گری نیست، چراکه پرونده های محدود معلمان صنفی و زندان افکندن چندان از بهترین معلمان تلاشگر در سالهای ۹۳ و ۹۴، اینک به بالغ بر پنجاه

کمک مالی:

کمک مالی علی از
یتوبوری به کنگره ۱۰
هزار کرون
ودا ایلکا کمک به حزب
۵۰۰ کرون

از صفحه ۷

صدای پای ...

رفع خطر نیاز داریم پایه طبقاتی و سیاسی حکومتان را هر چه بیشتر گسترش دهیم و متحدانه تر ظاهر شویم و "استعدا ملی و محلی" همه باندهای حکومت اسلامی را به کار بگیریم.

راه عدالت مورد نظر حزب کارگزاران، یعنی تقسیم "عادلان" ثروت و مکت و حق مالکیت و حق استثمار کارگران و سوداندوزی و حق چپاول منابع طبیعی کشور میان باندهای حکومتی ممکن است از "توسعه" بگذرد، اما راه عدالت مورد نظر کارگران، راه عدالت مورد نظر میلیونها زن و جوان و کلا راه عدالت اکثریت عظیم مردم ایران از سرنگونی نقش اصلیش پاسداری از منافع سرمایه و سرمایه داران و میلیاردهای حاکم است. حکومتی که چهل سال است هر جلوه ای از عدالت را لگدمال کرده است.

عدالتی که کارگران، زنان، جوانان و میلیونها مردم محروم و ستمدیده ایران میخواهند این است که بساط طبقه مفتخور و میلیاردر همراه مجلس و

شورای نگهبان و وزرا و وکلا و سپاه و آیت الله ها و امام جمعه های شان برچیده شود؛ فورا همه آمرین و عاملین چهل سال جنایت و فساد دستگیر شوند و محاکمه شوند؛ فورا همه تبعیضات و قوانین اسلامی برچیده شوند؛ فورا همه زندانیان سیاسی آزاد شوند؛ فورا همه ثروت و امکانات کشور را خود کارگران و جوانان و زنان و اکثریت مردم از طریق اداره شورایی در خدمت رفاه و آسایش و خوشبختی همه سازمان دهند؛ و بالاخره بر روی آوار حکومت اسلامی نظامی مستقر کنند که در آن خوشبختی و آزادی و برابری و رفاه همگان اصل است.

و چه زمانی بهتر از امروز برای چنین اتفاقی وقتی که "صدای پای سوسیالیسم" آنقدر بلند است که در گوشهای سران یک حکومت تماما ضد کمونیست و ضد برابری و آزادی طنین انداخته است.

۲۹ شهریور ۱۳۹۸ - ۲۰

سپتامبر ۲۰۱۹

ebrahimi1917@gmail.com

سخنرانیهای مینا احدی در ماه های آتی

۲۸ سپتامبر، برلین، شرکت در جمع ۱۲۰ نویسنده آلمانی و معرفی کتاب من از مذهب رویگردانم!
۲۰ اکتبر، برگزاری پانل در نمایشگاه کتاب فرانکفورت با حضور مینا احدی، فلورین چفایی در مورد انقلاب مردم ایران و برخورد رسانه های غربی به این مبارزات، گرداننده پانل نادین پونگس، برنامه از ساعت ۱۰ صبح

۴ نوامبر سخنرانی در شهر وین / اطریش از ساعت ۱۹:۰۰

Montag, 4. November 2019, um 19:00

"Gemeinschaftsraum" in der Anton-Sattler-Gasse

100, 1220 Wien

۲۲ نوامبر، سخنرانی در کنفرانسی به مناسبت روز جهانی علیه

خشونت بر زنان در شهر لایپزیگ آلمان از ساعت ۱۸:۳۰

Freitag, 22.11.2019, 18:30 Uhr, VHS Leipzig

۶ و ۷ دسامبر کنفرانسی در شهر مونیخ

http://www.stolz-und-vorurteil.net/das-programm/

شیرین شمس

استادیوم‌ها را باید فتح کرد



بلافاصله بعد از جانباختن سحر خدایاری زن جوان طرفدار تیم استقلال که بعد از خودسوزی به دختر آبی مشهور شد، خشم عمومی فوران کرد و موج اعلام همبستگی با دختر آبی و حمایت‌های وسیع از حق ورود زنان به استادیومها فضای سیاسی را تکان داد.

خشم از حقوق نداشته زنان در ایران، خشم از پنهان کردن مرگ زن جوانی که بدلیل ورود به استادیوم - در واقع به یکی از اماکن عمومی جامعه - 6 ماه حبس گرفته بود و به همین دلیل خودسوزی کرد، خشم از تهدید خانواده این زن جوان، و بطور کل خشم از این حجم بیحقوقی و ستم قانونی و اجرایی و قضایی تحمیل شده بر زنان در ایران، بار دیگر مساله جدال زنان با جمهوری اسلامی را در فضای سیاسی ایران برجسته کرد.

پنجشنبه ۲۱ شهریور ۹۸ همزمان با مراسم ترحیم سحر خدایاری که به دستور ماموران امنیتی به محلی غیر از محل اعلام شده در اعلامیه دختر آبی منتقل شده بود، در تهران خیابان شریعتی، جمعی از فعالین حقوق زن و دیگر شهروندان در مقابل مکانی که سحر خود را به آتش کشیده بود با در دست داشتن عکس سحر خدایاری به یادش شمع روشن کردند و دیوار مقابل دادگاه انقلاب تهران را با اسم دختر آبی مزین کردند.

به یاد و احترام دختر آبی تیم استقلال و پرسپولیس در شروع تمرینات خود، یک دقیقه سکوت کردند. همچنین تیم استقلال به

به ورزشگاهها بصورت هماهنگ و با صدایی بلند اقدام به سرود خوانی کردند: "تموم عالم بدون، همه مون عین هم هستیم، مرد و زن فرقی نداره، عاشقای فوتبال هستیم ... دختر آبی ایران، شده اسم تو جاویدان، خالیه سکوی فوتبال، از زنان پاک ایران". این مردان برابری طلب نشان دادند که یاد سحر خدایاری دختر آبی ایران جاودانه میماند و ندای آزادیخواهی زنان ایران در استادیومها رساتر میشود.

اینها صدای رسای جنبش برای رهایی زن است، ندای زنان ایران را امروز فوتبالیستهای مرد و مردان طرفدار فوتبال فریاد میزنند و استادیومها با نام و یاد دختر آبی و مبارزات حق طلبانه و برابری طلبانه زنان ایران مزین میشود.

"دختر آبی" و دختر آبی ها، "دختران آزادی" و همه زنانی که برای حقوق ابتدایی خود مبارزه کرده اند، هزینه داده اند، دستگیر و بازداشت شده اند، حبس کشیده اند، حکم گرفته اند اما کوتاه نیامده اند، توانسته اند پرچم رهایی زن را بدست مردان و مردم پیشرو در خیابانها و استادیومها بدهند و جامعه را بر این خط ببرند که اگر رهایی کل جامعه را میخواهند باید به میدان بیایند و همراه زنان برای رهایی زن مبارزه کنند. این همبستگی را دیگر نه فقط در مبارزه علیه حجاب اجباری، بلکه در مبارزه برای شکستن سد ممنوعیت ورود زنان به استادیومها نیز میتوان به وضوح مشاهده کرد. این شکست قطعی جمهوری اسلامی در برابر انقلاب زنانه جاری در ایران است. انقلابی علیه بردگی زن و علیه قوانین و فرهنگ اسلامی و ارتجاعی حاکم که نیمی از جامعه را

برده جنسی و خدماتی تلقی میکند.

وحشت حکومت از دختر آبی و موج حمایتها از حق ورود زنان به استادیومها:



و اما در سمتی دیگر از این جدال، واکنش حکومت نشان از وحشت آن در مقابل جانباختن دختر آبی و موج حمایتها از حق ورود زنان به استادیومها دارد.

مراسم هفتم سحر خدایاری در قم، شهر محل سکونت و دفن او برگزار نشد و قرار شد این مراسم در روستای سلم در شهرستان کیار واقع در ۴۲ کیلومتری شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری برگزار شود. گمانه زنی‌ها حاکی از تهدید خانواده سحر توسط نیروهای امنیتی، و نگرانی از حضور جمعیت در این مراسم بود.

در اخبار ۲۰:۳۰ این برنامه امنیتی، مستندی تحت عنوان دروغ سحر آبی پخش شد که طبق معمول همیشه با تهدید و تحت فشار گذاشتن برای اعتراف گیری، از پدر سحر اعتراف اجباری گرفته میشود.

پس از جانباختن سحر خدایاری اکانت‌های ارتش سایبری که توسط اطلاعات سپاه هدایت می‌شوند با هشتگ #دروغ_دختر_آبی سعی در جعل واقعیت و انحراف افکار عمومی داشتند، ولی واکنش برخی چهره‌های

فوتبالی از جمله وریا غفوری و مسعود شجاعی، و اطلاع رسانی‌های انجام شده در شبکه های اجتماعی، برنامه سایبری‌ها را با شکست مواجه کرد.

اقدام بازیکنان تیم فوتبال استقلال در پوشیدن کاور مشکی به یاد دختر آبی، واکنش خبرگزاری امنیتی فارس را برانگیخت. این خبرگزاری که وابسته به سپاه پاسداران است، در ویدئویی خواستار برخورد با بازیکنان استقلال، به ویژه وریا غفوری شده است!

چند رسانه نزدیک به سپاه پاسداران و قوه قضاییه صبا کمالی، بازیگر تئاتر و سینما، را به دلیل انتشار یادداشتی در حمایت از سحر خدایاری، دختر آبی، در صفحه اینستاگرامش، به «اهانت به امام حسین» متهم کرده و خبر دادند که «دستور بازداشت «او صادر شده است. نیروهای امنیتی، به اشکال مختلف، سحر را مبتلا به بیماری دو قطبی معرفی کردند، شش ماه حبس را دروغ تلقی کردند.

غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، روز جمعه ۲۲ شهریورماه "ورود به ورزشگاه، درگیر شدن و اهانت به ماموران و مطالب دیگر" را "اشتباه" سحر خدایاری عنوان و گفت او به این موضوع اعتراف کرده بود. او با این حال گفت سحر خدایاری محکومیت کیفری نداشته است. در صورتیکه قبل از جانباختن سحر، یکی از دوستانش در مصاحبه ای می گوید، سحر بیمار نبود و کاملاً سالم بود و خواهرش نیز گفته بود که سحر در واکنش به ۶ ماه حبس مقابل دادگاه انقلاب تهران اقدام به خودسوزی کرد.

ادامه در صفحه ۱۰

از صفحه ۹

استادیوم‌ها را باید فتح کرد

نسرین ستوده، وکیل پایه یک دادگستری و وکیل دختران خیابان انقلاب در نامه‌ای از زندان اوین نوشت: "روند تعقیب، احضار، بازخواست و تهدیدهای مداوم بازجویان و قضات، سحر خدایاری را که شهروندی عادی با خواسته‌ای به غایت معمولی بود به سمت خودسوزی سوق داد." یاسمن آریانی و منیره عربشاهی از معترضین به حجاب اجباری از زندان اوین درباره دختر آبی "دریغ که انسانی مجبور شود صدایش را به بهای جاننش به گوش ما برساند و درد این است که آنان که خواب و خاموشی و تاریکی را ترجیح می‌دهند به دروغ، این ایثار را به انکار عقل و اراده او تنزل می‌دهند و منکر این هستند که برایش مجازات و محکومیت تدارک دیده بودند." یاسمن آریانی و منیره عربشاهی در بخشی از پیام خود با اشاره به وضعیت صدور احکام برای فعالان حوزه زنان تاکید کردند: "حال که بازار انکار داغ است، صرفاً برای روشننگری اعلام می‌کنیم که در بخشی از حکم ناروای ما نیز در توصیف متهمین آمده است خواهان آزادی ورود زنان به استادیوم ورزش همراه با مردان."

تشدید اختلافات درون حکومتی:

در حالیکه محمود واعظی، رئیس‌دفتر روحانی در واکنش به جانبختن سحر خدایاری گفت که "با فضای فعلی، حضور زنان در ورزشگاه‌ها به مصلحت نیست"، امیرآبادی عضو هیئت رئیسه مجلس اسلامی اعلام کرده که "ورود

زنان به ورزشگاه جرم نیست و در بحث ورود بانوان به ورزشگاه قانونی وجود ندارد که حکمی صادر شود." حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران روز سه‌شنبه ۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر) اعلام کرد برای دربی پیش‌بینی برای حضور زنان در ورزشگاه نشده است و از زنان خواست به ورزشگاه نیایند.

نگرانی حکومت از پیشروی زنان در مطالبه برای ورود به استادیوم‌های ورزشی، و عدم توان مهار و کنترل فضای اعتراضی اخیر در مقابل فاجعه انسانی رخ داده، در تشدید اختلافات بین مقامات و نمایندگان جمهوری اسلامی کاملاً مشهود است. عمیقتر شدن اختلافات بین مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی بنفع مردم ایران و مبارزات جاری است. این اختلافات موجب بالا رفتن روحیه اعتراضی مردم علیه وضع موجود می‌شود و از این شکافها زنان و مردم، می‌توانند راههای اعتراضی خود را پیدا کنند.

حمایتها و واکنشهای بین المللی:

بعد از بازی تیم فوتبال ایران مقابل هنگ کنگ، گروهی از تماشاگران هنگ‌کنگی با شعارهای "برای آزادی می‌جنگیم، کنار مردم ایران می‌ایستیم" از حق ورود زنان ایرانی به استادیوم حمایت کردند.

سازمان عفو بین‌الملل خواستار ورود زنان ایرانی به استادیومهای ورزشی شد.

زنان افغانستان در استادیوم فوتبال در حین تماشای لیگ برتر افغانستان، با در دست داشتن اسم دختر آبی به یاد و احترام او، اعلام همبستگی کردند. ویدیو اعلام همبستگی زنان افغانستان با

زنان ایران و مبارزاتشان در صفحه فیروز مشعوف خبرنگار افغانستان منتشر و با استقبال بسیار بالایی مواجه شد.

عمر مومنی، مشهورترین کاریکاتوریست ورزشی جهان برای مرگ سحر خدایاری، دختر آبی طرحی کشید و از عدم حضور زنان در ورزشگاه‌های ایران انتقاد کرد. کوزواره اصلانی بازیکن مهاجم تیم ملی فوتبال زنان سوئد، نسبت به مرگ سحر خدایاری واکنش نشان داد و گفت: "فیفا، الان وقت آن رسیده است که شما اقدامی کنید. ما باید زنان ایران را در مبارزه علیه آپارتاید جنسی کمک کنیم. مسئله بر سر حقوق انسانی است"

مکدالنا اریکسون بازیکن زن شماره 6 فوتبال سوئد، ضمن وحشتناک خواندن جانبختن سحر خدایاری از فیفا و دیگر سازمانهای بین المللی که امتیاز و قدرت دارند خواست کاری کنند تا این وضع متوقف شود.

خبر جانبختن سحر خدایاری دختر آبی در رسانه‌های بین المللی از جمله سی ان ان، گاردین و بیلد منتشر شد.

باشگاه بارسلونا با انتشار تصویری از سحر خدایاری در بیمارستان ابراز هم‌دردی کرد نوشت: "فوتبال ورزشی برای همه است. مرد و زن باید از تماشای آن در استادیوم و در کنار هم لذت ببرند."

پوگبا بازیکن منچستر یونایتد در واکنش به مرگ سحر خدایاری، با خانواده و دوستان سحر اعلام همبستگی کرد.

اعضای تیم فوتبال زنان نروژ با در دست گرفتن پوسترهای آبی یاد سحر خدایاری، دختر آبی را گرمی داشتند.

بازیکنان تیم فوتبال زنان

کلن در بازی خود در برابر توربین پوتسدام با مچ بند آبی به یاد سحر دختر آبی به میدان رفتند.

هواداران باشگاه وردربرمن آلمان بنرهایی را با خود به ورزشگاه بردند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «نه به ممنوعیت جنسیتی در ورزشگاه‌ها»، «هواداری، حقوق بشر است» و «به یاد سحر خدایاری».

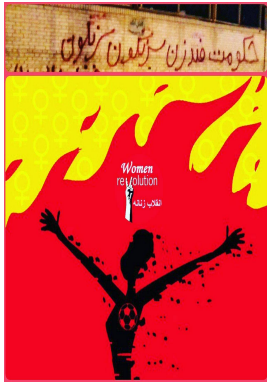
بازیکنان تیم بانوان آ اس رم، پیش از بازی افتتاحیه لیگ مقابل آث میلان به یاد و احترام سحر خدایاری با بازوبندهای آبی به گرم کردن پرداختند.

و بدین ترتیب آتش #دختر_آبی در سراسر جهان زبانه کشید. هشتگ BlueGirl# ترند شد.

دربی دختر آبی، یکشنبه ۳۱ شهریور ۹۸ استادیوم آزادی بازی استقلال و پرسپولیس

دیدار تیم‌های فوتبال استقلال و پرسپولیس روز یکشنبه ۳۱ شهریورماه در چارچوب هفته چهارم لیگ برتر برگزار می‌شود. خطاب به طرفداران تیم استقلال و پرسپولیس که میخواهند در این بازی شرکت کنند پیام این هست که حضور مردان به‌همراه زنان برای شکستن درب ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها ضروری هست.

مهم نیست آبی پیروز می‌شود یا قرمز. مهم اینست که تا زمانی که نیمی از جامعه از ابتدایی‌ترین حقوق خودش محروم است، آن جامعه هرگز طعم آزادی را نمی‌چشد. پس لازم است با هر نمادی فریاد سحر خدایاری و زنان مبارز ایران باشیم. این روز می‌تواند به یک روز مهم تاریخی تبدیل شود. روزی که جمهوری اسلامی بیش از پیش تحت فشار اعتراض عمومی علیه زن



ستیزی و علیه ستم سازماندهی شده حکومتی قرار بگیرد. استادیوم آزادی متعلق به همه است و زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه حق مسلم ورود به آزادی را دارند.

خطاب به زنان مبارز هم پیام این هست زنده باد شما زنان مبارز که تا به اینجا حاکمیت را به زانو درآورده و دنیا را تکان داده اید. اینبار هم می‌توانید با تعداد هر چه بیشتری مقابل دربهای ورزشگاه آزادی حاضر شوید و خواهان حق مسلم خود شوید.

در صورتی حکومت خود را برای مقابله با زنان و مردانی که میخواهند با هم وارد ورزشگاه شوند، سازماندهی کرده باشد، فقط یک جمعیت عظیم اعتراضی متشکل از زنان و مردان می‌تواند استراتژی سرکوب توسط جمهوری اسلامی را بیرون و داخل استادیوم با شکست مواجه کند.

هم اکنون حکومت جمهوری اسلامی در موقعیت بسیار ضعیفی قرار دارد و شیب زمین مبارزه علیه وضع موجود به نفع مردم و مبارزات موجود است. دربی تهران را به دربی دختر آبی تبدیل کنیم!

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹

۲۸ شهریور ۱۳۹۸

در بزرگداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز

سخنرانی حمید
تقوایی در مراسم
سنگ های سکندری
در استکلهم



خیلی متشکرم که این فرصت را بمن دادند تا من هم چند کلمه در بزرگداشت این دو عزیز صحبت کنم. امروز، دیگر سخنرانان از زوایای مختلفی در باره این عزیزان صحبت کردند. من سعی میکنم در یک سطح شاید فراتری و با دیدی که امروز به گذشته نگاه میکنیم نقش و جایگاه این دو رفیق عزیز را توضیح بدهم.

من فکر میکنم صدیق کمانگر و غلام کشاورز دو چهره برجسته هستند در یک نقطه عطفی در جنبش کمونیستی در ایران. اگر کارنامه این رفقا را در بررسی کنید، در همان حد که در اینجا معرفی شد، متوجه میشوید که صدیق کمانگر نقش اساسی ای داشت در اجتماعی شدن کمونیسم در یک منطقه ای که تن به جمهوری اسلامی نداد و در برابر ضدانقلاب تازه بقدرت رسیده، ایستاد. سابقه مبارزه هم صدیق وهم غلام برمیگشت به دوره سلطنت و مبارزه علیه رژیم شاه. ولی وقتی درخشیدند که انقلاب عظیمی در جامعه شکل گرفت، و در منطقه ای به اسم کردستان مردم تسلیم نشدند، و ایستادند، و به نحوی انقلاب ۵۷ در کردستان ادامه پیدا کرد. الان رفیق حسن شمسی گفت که وقتی هیاتهای از

سران رژیم تازه بقدرت رسیده به کردستان رفتند، برای بقول خودشان "خواباندن غائله"، که من شنیدم نوروز سندیج را "غائله صدیق" میخواندند، از زبان صدیق با صدای رعد انقلابی روبرو شدند که قیام بهمین را در تهران سازمان داده بود و کوبیده بودندش. در دوره ای که رژیم به دانشگاهها ریخته بود و چپها را از خیابانها جمع میکرد صدیق کمانگر بعنوان چهره و رهبر و صدای رسای انقلاب و جنبش کمونیستی در کردستان بلند شد و جواب کوبنده ای به آنان داد. به این معنا صدیق کمانگر نقش اساسی ای داشت در اینکه کومه از یک سازمان زیر زمینی نیمه مخفی تبدیل بشود به یک نیروی اجتماعی. البته رفقای دیگری هم از رهبری کومه در این جهت نقش ایفا کردند ولی مشخصا صدیق نقش کاملا تعیین کننده ای داشت. فکر کنم از رفیق فواد مصطفی سلطانی اینجا نقل کردند که گفته بود صدیق کومه له را عضو خودش کرد. صدیق اولین بار وقتی بلند شد و بعنوان نماینده کومه در شورای موقت انقلاب سندیج صحبت کرد هنوز رسما عضو کومه نبود. ولی آنجا تصمیم گرفت و از قول کومه صحبت کرد و یکی از مهمترین تحولاتی که کومه را به یک حزب اجتماعی رادیکال و محبوب

مبارزان نمیشد. او رفیقی بود با ارتباطات بی نهایت. من هیچوقت نفهمیدم غلام در هر روز چند نفر را ملاقات میکند. در دوره بعد از قیام، سالها ۵۸ و ۵۹، از صبح بلند میشد و تا شب ده ها نفر را میدید و هر روز گزارش می آمد که این و آن رفیق و این جمع و آن جمع را غلام به اتحاد مبارزان جذب کرده است. او نه تنها یک مروج لایق بود بلکه در اشاعه مارکسیسم انقلابی که در آن دوره سر بلند کرد و یک پایه دیگر حزب کمونیست ایران شد، غلام یک چهره موثر و فعال سازمانده بود، و یک چهره زنده از این نظر که قلب کمونیسم را نمایندگی میکرد و نه فقط مغزش را. او کمونیست پرشوری بود که مارکسیسم انقلابی به او امکان و قدرتی داده بود که کمونیستهای ایران را به سیاستها و اهداف آرمانی خود جلب کند. کمونیستهای که اکثر آنها در برابر جمهوری اسلامی گنج شده بودند، برخورد دوگانه میکردند، بعضی میگفتند رژیم ضد امپریالیست است، بخصوص بعد از تسخیر سفارت آمریکا خیلی ها از آن طرف غش کردند و به سمت جمهوری اسلامی رفتند. مارکسیسم انقلابی و رفقای مثل غلام بودند که در برابر این موج ایستادند و محفل به محفل میرفتند، کمونیستها را میدیدند، با آنها بحث میکردند و میگفتند راه این است. راه، مارکسیسم انقلابی است. چپ آن دوره تئوری میداد که جمهوری اسلامی رو بداخل سرکوبگر است ولی در سیاست خارجی و بین المللی مترقی است. چون سفارت گرفته است و غلام با پرچم مارکسیسم انقلابی میگفت داخل و خارج نداریم. این رژیم در همه زمینه ها

ارتجاعی است. آنچه صدیق در کردستان از نظر سیاسی و اجتماعی نمایندگی میکرد و فریادش را بلند میکرد غلام از نظر سیاسی و نظری و تئوریک در محافل مخفی و نیمه مخفی در تهران گسترش میداد. و به این ترتیب بود که مارکسیسم انقلابی و کومه حزب کمونیست ایران را تاسیس کردند.

حزب کمونیست ایران یک دستاورد و یک نقطه درخشان در تاریخ چپ در ایران هست و همیشه باقی خواهد ماند. غلام و صدیق دو چهره ای بودند که این دو شاخه کمونیسم را در آن دوره کاملا نمایندگی میکردند. حزب کمونیست ایران محصول تلفیق این دو بود. در اینجا وقتی عکسهائی دیدم که این دو رفیق را کنار هم نشان میداد این تصویر جلوی چشم آمد که جنبش کمونیستی در مناطق آزادی که بدست خودش ایجاد کرده بر سر پا بلند شد و اجازه نداد طبقه کارگر ایران زیر فشار اعدامهای دهه شصت و تروهای سال شصت و هفت که این دو عزیز را از ما گرفت کمرش بشکند. و به نومی و یاس دچار بشود. در آن دوره بود که رادیو صدای انقلاب، که مدیریت آن آخرین مسئولیت صدیق بود، امید پخش میکرد. امروز رفقای در میان ما هستند که از زندانها خبر تشکیل حزب کمونیست را شنیدند و روحیه گرفتند و در زندان سر بلند ایستادگی کردند و با سر بلند از زندان بیرون آمدند. چون فهمیدند ارتجاعیون حاکم با همه توحششان جنبش کمونیستی را نتوانستند زیر خاک کنند. نتوانستند دفنش کنند و نتوانستند به شکست ادامه در صفحه ۱۴

گزارشی کوتاهی از کنفرانس اعضای حزب در استکهلم

کنفرانس اعضای حزب در استکهلم روز ۱۴ سپتامبر با حضور تعداد قابل توجهی از اعضا و کادرهای حزب برگزار شد. کنفرانس با خوشامد گویی توسط هرمز رها دبیر کمیته حزب و با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت عزیز و کلیه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد.

سخنران اول کنفرانس حمید تقوایی لیدر حزب بود که در مورد تحولات سیاسی در ایران و جهتگیری ها و

سیاست های حزب صحبت کرد. بدنبال آن هرمز رها گزارش کوتاهی از فعالیت های حزب در استکهلم و آذر پویا گزارشی از فعالیت مالی حزب ارائه دادند. سپس فیلم کوتاهی شامل گوشه هایی از فعالیت های حزب، آکسیون ها، سمینارها و کنفرانس های حزب به نمایش گذاشته شد. در این قسمت سارا نخعی از فعالیت در زمینه پناهندگی، هرمز رها در زمینه علیه اعدام و نسترن گودرزی در زمینه نهاد آکس مسلم گزارش دادند و سپس اعضا و کادرهای حزب به بحث و اظهار نظر پرداختند.

قسمت بعدی کنفرانس در معرفی نقشه عمل فعالیت در دوره آتی بود که هرمز رها و کیان آذر نقشه عمل را معرفی کردند. نقشه عمل به اتفاق آرا به تصویب رسید. انتخاب

کمیته استکهلم دستور آخر کنفرانس بود. هرمز رها، سارا نخعی، سیامک بهاری، ودا ایلکا و کریم شاهمحمدی به عضویت در کمیته انتخاب شدند. اندیشه علیشاهی، میلاد رسایی منش، نسترن منصوری و رضا سرلک نیز بعنوان اعضای مشاور کمیته انتخاب شدند.

کنفرانس با صحبت اختتامیه سیامک بهاری و پس از چند ساعت بحث و تبادل نظر و در فضایی شاد، با موفقیت به کار خود پایان داد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته استکهلم ۱۵ سپتامبر



کمیته منتخب کنفرانس

کارگران آذرآب با حضور در هیکو با کارگران این کارخانه اعلام همبستگی کردند

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات کارگران هیکو و آذرآب حمایت و پشتیبانی میکند و همه کارگران و مردم در سراسر ایران را به حمایت از این کارگران فرا میخواند. ما بویژه مردم شهر اراک و کارگران در کارخانجات دیگر این شهر را به حمایت و همبستگی فعال با مبارزات کارگران هیکو و آذرآب فرا میخوانیم. شرکت وسیع خانواده های کارگری در مبارزات بسیار مهم است.

پیش بسوی

اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۷ شهریور ۹۸،
۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹

کارگری همچون سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای واحد و اتحاد سراسری بازنشستگان طی بیانیه هایی ضمن محکوم کردن حمله به کارگران همبستگی خود را با کارگران هیکو اعلام کرده اند و خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان شده اند. بنا به خبری که هم اکنون بدست ما رسید از حدود ۲۸ کارگر دستگیر شده هیکو سه نفر آنان دیروز بعد از ظهر به قید وثیقه ۲۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند. برای بقیه کارگران بازداشت شده فیش های حقوقی کارگران هیکو برای ضمانت آزادی همکاران شان ارائه شده است. کارگران بازداشتی باید بدون وثیقه و بدون قید و شرط آزاد شوند و پرونده های امنیتی آنها بسته شود.

اسلامی و کارفرمایان بسیار مهم است و این همبستگی های طبقاتی را باید هرچه بیشتر گسترش داد.

صف اعتراضی کارگران هیکو در روز ۲۵ شهریور با یورش وحشیانه گارد ویژه جمهوری اسلامی مواجه شد و شماری از کارگران زخمی شدند و تعدادی نیز دستگیر شدند. این تهاجم وحشیانه با اعتراضات وسیعی در ایران و در سطح جهان مواجه گردید. از جمله علاوه بر بلند شدن زمزمه های اعتراض در دیگر مراکز کارگری در شهر اراک این خبر بازتاب سراسری داشته و مقامات حکومتی سراسیمه در جستجوی سر هم بندی ماجرا و تعیین مالکیت جدید برای هیکو و اقداماتی از این دست هستند. تا کنون تشکلهای مختلف

شورائیکیز مبارزات کارگران را رقم زد. کارگران آذرآب قبلا نیز در سیزدهم شهریور با مارش زیبای خود در وسط شهر و سر دادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" سرودی که اول بار توسط کارگران هیکو خوانده شده بود، هماهنگی و همبستگی مبارزات خود با کارگران هیکو را بازتاب دادند و بعلاوه در یک حرکت جمعی پلاکاردهایی در حمایت از کارگران هیکو را در دست گرفتند و شعار "زنده باد هیکو، پاینده هیکو، برقرار هیکو" را سردادند.

همبستگی و پشتیبانی بخشهای مختلف کارگران از مبارزات و خواسته های یکدیگر برای تقویت و پیشروی مبارزات در مقابل حکومت

عصر ۲۶ شهریور یک روز پس از یورش وحشیانه گارد ویژه حکومت اسلامی به صف کارگران هیکو، کارگران شیفت شب آذرآب به نشانه اعلام همبستگی به دیدار کارگران هیکو رفتند و ساعتی در کنار آنان ماندند و پشتیبانی خود را از خواسته ها و مبارزات آنها ابراز کردند. کارگران هیکو صبح این روز علیرغم حمله نیروهای انتظامی در روز قبل از آن و در اعتراض به این تهاجم، به تجمع اعتراضی خود ادامه دادند و در محل شرکت جمع شدند و بر آزادی همکاران دستگیر شده خود تاکید کردند.

حضور کارگران آذرآب در هیکو و اعلام همبستگی با کارگران این کارخانه یک حرکت مهم و یکی از لحظات



دومین برنامه کمپین سنگهای سکندری در شهر استکهلم سوئد در تاریخ ۱۵ سپتامبر برگزار شد

سکندری از یک سو نام آنها جاودانه میگردد و از سوی دیگر اجازه نمیدهد جنایات نازیها به فراموشی سپرده شود! ما این کمپین را به ایران میبریم و میخواهیم نام کسانی که در هولوکاست اسلامی به دست جمهوری اسلامی ایران کشته شده اند را جاودانه کنیم.

پس از سخنان مینا احدی بیوگرافی این دو چهره برجسته جنبش کمونیستی ایران از طرف محمد کمالی و سیما بهاری قرائت شد. سخنرانی اخترکمانگر همسر صدیق کمانگر و فریده آرمان همسر غلام کشاورز و سپس نمایش فیلمی از فعالیتهای این دو رهبر کمونیستی بخش دیگری از برنامه بود. برادر غلام کشاورز سخنران بعدی این برنامه بود و سپس حسن شمس از حزب کمونیست ایران و حمید تقوایی از حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کردند. این برنامه با هنرنمایی فریبرز فخاری و اجرای چند قطعه موزیک همراه بود. مجری برنامه آذر پویا در معرفی این برنامه

این برنامه اختصاص داشت به گرامیداشت دو مبارز خستگی ناپذیر مدافع حقوق انسان، دو کمونیست برجسته و دو رهبر مبارزات مردم در ایران و کردستان؛ غلام کشاورز و صدیق کمانگر. غلام کشاورز و صدیق کمانگر سی سال قبل توسط تروریستهای حکومت اسلامی به دستور مستقیم رفسنجانی و سران حکومت اسلامی به فاصله یک هفته ترور شدند.

در این برنامه، ابتدا مینا احدی در معرفی کمپین سنگهای سکندری گفت: کمپین سنگهای سکندری در آلمان برای جاودانه کردن نام کسانی است که در دوره سیاه هیتلر و نازیها به قتل رسیده اند. با نصب سنگی در مقابل درب منازل کشته شدگان و حک کردن اسامی آنها بر سنگهایی به نام سنگ

گفت: اولین برنامه کمپین سنگهای سکندری در شهر بن در آلمان و در گرامیداشت فریدون فرخزاد بود و این دومین برنامه از سوی این کمپین است.

پس از پایان این بخش از برنامه همه حاضرین بسوی مزار غلام کشاورز در شهر استکهلم حرکت کرده و با راهپیمایی باشکوه و در دست داشتن عکسهای این عزیزان

بر مزار غلام کشاورز گرد آمدند. شعله پاک روان مادر ریحانه جباری که بدست آدمکشان اسلامی اعدام شد بر سر مزار غلام کشاورز برای حاضرین سخنرانی ایراد کرد. شعله پاکروان یکی از مسئولین کمپین سنگهای سکندری در ایران است. در این مراسم سنگ سکندری بر مزار غلام کشاورز نصب شد. سنگ دیگری که

برای صدیق کمانگر آماده شده بود به فرزندان او تحویل داده شد تا در شهر سلیمانیه در کردستان عراق بر مزار صدیق کمانگر نصب شود. مینا احدی در سخنرانی بر مزار غلام کشاورز گفت: امیدواریم بعد از سرنگونی حکومت اسلامی، در مقابل درب منازل همه کسانی که به دست حکومت اسلامی ایران کشته شده اند، این سنگها را نصب کنیم.*

کارگران و مردم اراک! کارگران و مردم آزاده در سراسر کشور!

روز دوشنبه ۲۵ شهریور گارد ویژه حکومت وحشیانه به تجمع کارگران هیکو یورش برد، بیش از ۱۵ نفر از آنان را مجروح و دهها نفر را دستگیر کرد. کارگران هیکو به ناامنی شغلی و نپرداختن ماهها حقوقشان اعتراض دارند و حق دارند اعتراض کنند و بر حقوق خویش پافشاری نمایند. کارگران میگویند مقامات و کارفرما سالهاست مشتی دروغ تحویل آنها داده اند و راهی جز اعتراض به نپرداختن حقوق هایشان، دزدیهای پشت پرده صاحبان کارخانه و بیکار کردن کارگران ندارند.

میشکند. سرکوب کارگران ناشی از وحشت حکومت از گسترش اعتراض به سطح شهر اراک و اتفاقاتی شبیه اعتراضات باشکوه کارگران هفت تپه و فولاد اهواز است. دست به سرکوب و دستگیری وسیع کارگران میزند که جلو رشد این اعتراضات در اراک و در سطح کشور را بگیرد. هر نوع دست درازی به طرف کارگران و اعتراضات بحقشان را باید با اعتراضی وسیع در سطح کشور پاسخ دهیم. جمهوری اسلامی در اوج بحران و سر درگمی است و در شرایطی که خشم و اعتراض در میان مردم بالا گرفته است میتوانیم و باید هر نوع تعرضی به کارگران و اعتراضات بحق مردم را با تعرض متقابل در سطح کشور جواب دهیم.

در شهر اراک جا دارد کارگران سایر مراکز و مردم این شهر همراه با کارگران هیکو و خانواده هایشان به میدان بیایند. کارگران هیکو خود تجربه ای گرانبها برای راهپیمایی در شهر با حضور خانواده های خود دارند و اکنون در شرایطی که کارگران برخی مراکز دیگر از جمله آذراب و آلمینیوم سازی و آونگان مشکلات مشابهی با کارگران هیکو دارند، انتظار می رود که در کنار هم قرار گیرند و همراه با خانواده هایشان دست به تجمع و راهپیمایی در شهر بزنند و ارگان های حکومتی را مجبور کنند به خواست های کارگران فوراً رسیدگی کنند. باید حکومت را مجبور کرد بلافاصله کارگران دستگیر شده را بدون هیچ نوع

پرونده سازی آزاد کند، از کارگران به دلیل توحش گاردهای ویژه اش عذرخواهی کند، به کارگران آسیب دیده خسارت پرداخت شود، کلیه پرونده های دو سال قبل را باطل کند، حقوق های معوقه فوراً پرداخت شود و امنیت شغلی کارگران تضمین گردد. شهر اراک باید یکپارچه در همراهی با هیکو به میدان بیاید. در مقابل حکومت بحران زده و وحشت زده این امکان را داریم که متحد و یکپارچه به میدان بیاییم و خواست های بحق مان را یک به یک به کرسی بنشانیم.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۳۹۸، ۱۷

سپتامبر ۲۰۱۹

کارزار جهانی علیه سرکوب اعتراضات مردمی و دستگیری و مجازات فعالین اجتماعی در ایران با حمایت اتحادیه های کارگری جهان روبروست!

مقابل سفارتخانه ها و یا کنسولگری های جمهوری اسلامی و یا در مراکز شهرها در حمایت از کارگران زندانی و در اعتراض به حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی برگزار شد که این اعتراضات همچنان ادامه دارد.

ما همگان را فرمی خوانیم که به کارزار جهانی علیه سرکوبگری های جمهوری اسلامی بپیوندند تا به اتفاق هم سلاح سرکوب جمهوری اسلامی را بی اثر سازیم. احضارها، پیگردها و محاکمات تحت عنوان اتهامات امنیتی باید فوراً متوقف شود. بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، بازداشت شدگان اول ماه مه، معلمان دربند، فعالین حقوق زنان و زنان معترض زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۸ شهریور ۱۳۹۸،
۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹

بازنشستگان ایران، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، اتحاد بازنشستگان طی بیانیه هایی با محکوم کردن احکام وحشیانه علیه بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان و توقف فوری این سرکوبگری ها شده اند. همچنین بیش از یکصد فعال کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی طی نامه ای ضمن محکوم کردن احکام صادره برای بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، خواستار اعاده دادرسی پرونده معلمان، کارگران، فعالین زن، وکلای زندانی، دانشجویان و تمامی فعالین اجتماعی در دانشگاه های علنی و آزادی تمامی بازداشت شدگان شدند.

بعلاوه محمود صالحی، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده از چهره های سرشناس جنبش کارگری طی بیانیه هایی سرکوبگری های حکومت و مجازات های سنگین زندان و شلاق را محکوم کردند.

تا کنون در شهرهای متعددی از جمله لندن، ونکوور، تورنتو، استکهلم، گوتنبرگ، سیدنی، فرانکفورت، کلن، و اسلو آکسیونهای متعددی در

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س. اف. د. ت)، کنفدراسیون عمومی کار (س. ژ. ت)، کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او)، اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر) و اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او. ان. اس. آ) هر کدام با صدور بیانیه ها و یا ارسال نامه های اعتراضی به سران جمهوری اسلامی احکام صادر شده زندان و شلاق علیه فعالین کارگری و اجتماعی را شدیداً محکوم کردند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی در ایران شدند. در یونان در راهپیمایی کارگران و در پاریس در اعتراضات خیابانی جلیقه زردها و همچنین در مراسم روز "لیبر دی" در کانادا حمایت پرشوری از کارگران زندانی در ایران و بازداشتی های هفت تپه به نمایش درآمد.

در ایران نیز نهادهای کارگری و اجتماعی همچون سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای شرکت واحد، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون نویسندگان ایران، شورای

کمیسیون های بین المللی اخراج شود.

پیش از این اتحادیه کارگران حمل و نقل انگلیس یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری در این کشور، با صدور یک بیانیه خواستار آزادی اسماعیل بخشی و لغو احکام صادره علیه محمد خنیفر و دیگر بازداشت شدگان هفت تپه، دستگیر شدگان اول ماه مه و کارگران زندانی شد.

همچنین کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ با نزدیک به یک میلیون عضو، با ارسال یک نامه اعتراضی به خامنه ای ضمن اشاره به بازداشت فعالان کارگری در نیشکر هفت تپه و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از وی خواست دستور آزادی همه فعالان کارگری و حامیان حقوق کارگران، پایان سرکوب کارگران و اعضای اتحادیه های کارگری و آزادی ایجاد تشکل های کارگری را صادر کند.

حزب چپ سولیداریته و اتحادیه کارگران یونیا در سوئیس، سازمان عفو بین الملل، شورای اتحادیه های کارگران ونکوور و حومه (وی دی ال سی)، سندیکاهای فرانسه مرکب از

با صدور احکام سنگین زندان و شلاق برای اسماعیل بخشی و سیده قلیان و دیگر دستگیرشدگان مرتبط با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، موجی از اعتراض در ایران و در سطح جهان توسط سازمانها و اتحادیه ها و نهادهای مختلف علیه این احکام به جریان افتاده و این اعتراضات همچنان ادامه دارد.

اخیراً بدنبال تماس مسعود ارژنگ عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اتحادیه کارگران دولتی و خدمات در بریتیش کلمبیا در کانادا استفانی اسمیت دبیر کل این اتحادیه که هشتاد هزار عضو را در بر میگیرد، از کارزار سه نهاد یعنی کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، و کمیته بین المللی علیه اعدام حمایت کرده و طی نامه ای به روحانی حمایت قاطع این اتحادیه را از کارگران زندانی و مبارزات کارگران در ایران اعلام داشته است. او در این نامه اعلام داشت چنانچه جمهوری اسلامی حقوق پایه ای مردم ایران را برسمیت نشناسد باید از سازمان بین المللی کار (ILO) و سایر

از صفحه ۱۱

در بزرگداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز

بکشانند. و غلام و صدیق دو چهره ای بودند که نقش تعیین کننده ای در آن تحول داشتند. این دو رفیق فقط دوستان ما نیستند، فقط چهره های متعلق به یک حزب، یا حتی متعلق به یک جنبش نیستند.

چهره های یک جامعه بلند شده در سال ۵۷ برای آزادی و برابری و رفاه هستند، آن جامعه را نمایندگی کردند و امروز انقلابی در برابر چشمان ما دارد شکل میگیرد که به نظر من ده ها صدیق و ده ها برابر، برای آزادی، برای دفاع از سوسیالیسم و در کرد. و آنها قدر پیشکسوتان خود را خواهند دانست و همانطور که دوستان گفتند

متشکرم.

زنده باد همبستگی بین المللی در حمایت از مبارزات مردم ایران!